

## سماع واژه ها

( مجموعه واژانه های فرزندان مکتب اصالت کلمه )

مترجم: نیلوفر مسیح

بیش از یک دهه است که مکتب ادبی اصالت کلمه با بیانیه‌ی ذکر شده در کتاب جنس سوم، در ادبیات ایران زمین اعلام حضور کرده است. در این بیانیه آمده است که شعر و داستان تنها دو پتانسیل از کلمه هستند که به علت بعد گرا شدن ذهن و زبان مردم تبدیل به واسطه شده‌اند. این در حالی است که مکتب ادبی اصالت کلمه بر دو محور بنیادین استوار است. الف) وسیله دانستن کلمه در دنیای زیستی ب) هدف دانستن کلمه در دنیای ادبیات.

در راستای هدف واقع شدن کلمه در دنیای ادبیات تئوریسین این دیدگاه جناب استاد آرش آذرپیک اظهار می‌دارند که: برای رسیدن به جنس سوم کلمه با سه ژانر هم‌سو مواجه هستیم ۱- فراداستان ۲- فراشعر ۳- متن کلمه محور.

با این وجود در محافل ادبی نزدیک به دو دهه است که با ژانر دیگری مواجه هستیم که جناب آذرپیک در سال ۱۳۷۷ در کتابچه گل صد برگ نمونه‌هایی از آن را ارائه دادند. و کشف قلمی ایشان می‌باشد که بعدها با توجه به مؤلفه‌های اصلی مکتب ادبی اصالت کلمه برای آن اصولی در نظر گرفتند که باعث شد آن را زیر مجموعه فراشعر کلمه محور بدانند. اما به رغم مقالاتی که تا به حال توسط مهری مهدویان و بانومریم نظریان ارایه شده است و این ژانر را «شعر\_واژه» نامیده‌اند و آن را تنها محدود به ساحت شعر دانسته‌اند باید اذعان داشت که بر طبق گفته‌های جناب استاد آذرپیک ژانر «واژه» در خود پتانسیل‌های داستان مینی مال، کاریکلماتور، طرح، هایکو، شعر حرکت، شعر حجم کلمه گرا و... را می‌تواند داشته باشد.

اما واژه چیست و بر چه معیارهایی استوار است؟

جناب آذربیک برای واژانه چندین خصوصیت اصلی در نظر گرفته اند که عبارتند از: ۱- فراروی از ساختار دستور زبان و قاعده ی همنشینی\_ جانشینی ۳- عدم تزامم تصاویر ۴- ساختار حسی\_ هندسی و ظهور موسیقی ارگانیک کلمات ۵- حرکت و استحاله ۶- ایجاد سپیدی هایی در متن ۷- قابل ترجمه ترین ژانر یا متن ادبی که معنای آن در زبان مقصد به هیچ وجه دچار تحول و تغییر نمی شود.

حال با توجه به اصول ارائه شده برخی از این خصوصیات رامورد تشریح و بررسی قرار می دهیم .

۱) فراروی از ساختار دستور زبان و قاعده ی همنشینی \_ جانشینی : عده ای از شاعران و نویسندگان به زبان شعر و ساختار دستور زبان به عنوان هدف می نگرند، عده ای به عنوان وسیله و عده ای دیگر هم وسیله و هم هدف، واژانه قلم مخاطبان و هنرمندانی را هدف قرار داده است که از دستور زبان واسطه ساخته اند و آن را جبر آمیز بر کلمات تحمیل می کنند. هدف ما دخالت یا شکستن قواعد دستور زبان به صورت مخرب و غیر هنرمندانه و حتا هنر مندانه هم نیست بلکه هدف ما فراروی و آشنایی زدایی از این اصول واسطه شده و محدود کننده است. در این باب جناب آذربیک اذعان می دارند که یک واژانه به دو صورت از ساختار دستور زبان و قاعده ی همنشینی \_ جانشینی سوسور و چامسکی فراروی می کند، فراروی به معنای محدود و محصور نکردن قلم خود به یک باید خاص است بنابر این ما با دو نوع واژانه روبه رو هستیم «واژانه ی فرادستوری» و « واژانه ی غیر دستوری».

در واژانه ی فرا دستوری کلمه بدون توجه به تعاریف دستوری در هر زبانی در متن حضور دارد. اما پس از ترجمه، یا در لحظه ی خوانش بنا بر پیش فرض ها می تواند برخی نگاهها و عناوین دستوری را در خود بپذیرد. که البته به هیچ وجه همانند حرکت واژگان در بستر دستور زبان، باعث سلب قائمیت مدنی و خدشه وارد کردن به حرکت وجود گرایانه ی کلمات، در متن نخواهد شد. از جمله این پیش فرضها کنار هم قرار گرفتن یک کلمه و علامت سوال یا علامت تعجب (!؟) است که تشکیل شبه جمله می دهد و یا کلماتی که به عنوان منادا برای خطاب به کسی یا چیزی در نظر گرفته می شوند. در واژانه ی غیر دستوری معماری و چینش کلمات به هیچ وجه در قید تعاریف دستوری نیستند و صد در صد ساختار و حرکت غیر دستوری دارند. فراروی از دستور زبان در این دو نوع واژانه به این معناست که در ساختار و چیدمان جدید نمی توان گفت که یک کلمه نقش ضمیر پذیرفته است، دیگری مسند و دیگری فعل. بلکه در چیدمان و ساختار جدید کلمات بدون حضور در زنجیره ی گفتار معنا را انتقال می دهند. ذکر یک نکته حائز اهمیت است و آن اینکه واژانه خواهان دخالت و در هم ریختن دستور زبان همچون قاعده ی فورگراندینگ و یا ایجاد ترکیبات استثنایی در زبان با توجه به تعریف شعر نیست که شاعران و نوپردازان به منظور توسعه زبان، به عمد در ساختار دستور زبان تجاوز می کنند مثلاً نشان دادن یک نوع دستوری

در جایگاه نوع دیگر دستوری سخن نیست فرضاً قید به جای اسم بنشیند و یا چون کار هوشنگ ایرانی که در ساختار متداول بعضی از کلمات دستکاری می کرد نیست مثلاً ساختن فعل از اسم و یا جابه جایی ساخت های فعلی مثلاً خواهد خرد کرد یا خواهد نابود کرد و...حتا در واژانه هدف آشنایی زدایی در محور همنشینی هم نیست مثل من تمام پله ها را آبی رفتم.هدف واژانه ، فراروی از ساختار دستور زبان و اثبات وسیلگی آن است و اینکه دستور زبان فقط پتانسیلی از کلمات است که در زنجیره ی گفتار برای ایجاد ارتباط و انتقال بهینه ی معنا بروز و ظهور یافته است .

۲)ایجاز مطلوب: از دیگر خصوصیات واژانه ایجاز مطلوب و ارائه ی تصویر و معنایی به گزین و عمیق در چند کلمه است در واقع واژانه ایجاز مندترین ژانر ارائه شده است که پتانسیل های متعددی را در خود پرورش می دهد.چنانچه جناب محمد حقوقی می گوید «...هر چه نحوه ی بیان تازه تر ، قوی تر ، و پیش رفته تر باشد در حقیقت مبین آن است که شاعر بیشتر رعایت ایجاز و فشردگی کرده است ....در حقیقت لازمه ی هر شعر پیش رفته ای است و یکی از مهمترین عواملی است که شعر را مبهم جلوه می دهد.»یک واژانه چه از لحاظ کیفی و کمی چه از لحاظ لفظی و معنایی سعی بر ایجازی بهینه دارد تا با کمترین کلمات ژرفترین معانی ،شفافترین تصاویر و فضایی آشنایی زدائی شده و فراتر از قرار دادها را ارائه دهد علاوه بر تصاویر پیچیده ، صنایع ادبی ، و فضاهایی گنگ و عمیق یکی از عوامل ایجاد ابهام به گفته ی بزرگان ایجاز است که کشف روابط بین کلمات را در واژانه مشکل می سازد گاه مخاطبان واژانه را همان روش گریزی دادائستی و فرمالیستی می دانند که در آن کلمات به صورت تصادف انتخاب و در چینی ناهدفمند قرار می گیرند که ممکن است در نهایت کاملاً به طور تصادفی ایجاد معنا کند .اما باید گفت که چینی و ساختاری اینگونه از خصوصیات شعر هوشنگ ایرانی بود که در آن کلمات با توجه به روشهایی دادائستی و فرمالیستی در ساختمانی به خصوص گاه به صورت هدمند و گاه به صورت ناهدفمند قرار می گرفتند برخلاف این چینی و نوع انتخاب کلمات در واژانه چینی و انتخاب کلمات به هیچ وجه تصادفی و ناهدفمند نیست بلکه واژانه حاصل مراقبه شناور بین خودآگاه و ناخودآگاه است و حرکت واژه ها با توجه به رد پای معنا و تصویر ایجاد شده در ذهن چینی و حرکت به خصوصی را به نمایش می گذارند و البته با توجه به احساسی که در شاعر برانگیخته است این چینی باید آشکار کننده آن حس به خصوص باشد.این معماری هدمند گاه ایجاد ابهام می کند که حاصل نگرش جدید به ساحت کلمات است .که به صورتی منظم ، هماهنگ ، منسجم و ناگسستنی فراتر از وجود قائم به ذات واژگان ایجاد کلیت و وحدت کرده است .و در آن کلمات به صورت کاملاً طبیعی در سیورورت دگرگونی و شدنی مدام هستند.در واقع عادت های پیشین و پیش زمینه های ذهنی ما در مورد تعریف شعر و حد و مرزهای آن حجابی شده اند که بر نگاه و ذهن مخاطبان برای درک خرق عادت در واژانه سایه افکنده است و نباید یک واژانه را با دیگر سبک های شعری مقایسه کرد چون

قواعد و قوانین خاص خود را دارد. در واقع واژانه یک ژانر سهل و ممتنع است، سهل است چون می تواند با نگاه ساده و گذرایی به جهان اطراف و هستی واژانه های عریان و مجسمی را کشف کرد و به تصویر کشید. ممتنع است چون خلق و کشف بکرترین تصاویر و معانی حاصل نگاهی ژرف بینانه و کار قلم های ضعیف و متوسط نیست. چرا که یک واژانه باید در کمال ایجاز بتواند به ساحت کلمات و سطوح تشکیل آنها در بعد معنا، تصویر، تخیل، نماد، دیالوگ، خرد ورزی در کلام و... نزدیک شود و خود را در قالب ساختاری منحصر به فرد ارائه دهد.

۳) عدم تزام تصاویر: گفته شد که ایجاز در ساحت تصویر هم اتفاق می افتد و یک واژانه با ارائه تصویر زلال، شفاف، و در قالب یک یا چند اپیزود و کشف رابطه ی تصویری ابتدا در بین کلمات و سپس اپیزود ها سعی در ظهور معنایی ژرف، ساختاری آوانگارد\_البته با بازگشت به تمام پتانسیل های کشف شده \_ و فرمی جدید دارد. ساختار و معماری واژانه به گونه ای است که گاه در یک اپیزود و گاه در چندین اپیزود یک یا چند تصویر به موازات هم در حال تحول و استحاله هستند تا از مبدأی مشخص و معین به مقصودی رهنمون شوند که عریان نویسی موفق به کشف و درک آن شده است. خط سیر این تصاویر یک رشته ارتباطات نا محسوس و غیر مستقیم و گاه مستقیم است و کشف این ارتباط در لایه ی زیرین معنا توسط مخاطب آخرین حلقه و مرحله ی فراروی از متن به سوی فرا متن است. بر خلاف تصاویر پیچیده در شعر موج نو برای عمیق تر نشان دادن محتوا، تصاویر در واژانه اندک و ساده اما عمیق هستند که به عات شفافیت ذهنی نویسنده در درک بی واسطه خود، جهان اطراف و هستی رخ نموده اند. و باعث می شوند که متن هم از لحاظ افقی «محور هم نشینی» و هم از لحاظ عمودی و کلیت متن به بهترین نحو ایجاز در آن رعایت شود چون به اعتقاد ما پیچیدگی و تعقیدات لفظی و معنوی و استعمال ترکیبات اضافی و گنگ به هیچ وجه نشانه ی کمال و پختگی متن ادبی نیست بلکه عمق و ژرفنای کلام نشانه ی پختگی و دارای ارزش هنری است، نه پر گوئی و پیچیده گوئی مخرب که از سایر کلمات سلب قائمیت می کند. واژانه وجود کلمات، یعنی هم افزایی جوهر و ماهیت آنها را هدف قرار داده است چرا که هر کلمه دارای بار ژنتیکی است که هاله ای از تصاویر و معانی را در ذات خود به صورت بالقوه و بالفعل نهفته دارد و برای رسیدن به این قائمیت و ایجاد تصویری شفاف اما عمیق در فضایی روشنگرانه، سایر کلمات، ترکیبات، و سازه ها که مانع از روشنگریست از گردونه متن خارج خواهند شد و این یعنی خروج از ساختار همنشینی \_ جانشینی در زنجیره ی گفتار و نپذیرفتن نقش دستوری خاص و رسیدن به مرحله ای که یک کلمه در خود مفهوم و تصور یک جمله را نمایان و آشکار می سازد یعنی رسیدن به این مرحله که کلمه در ذات خود با توجه به ماهیت های کشف شده در طول تاریخ ادبیات تماماً تصویر، تماماً دیالوگ، تماماً احساس، تماماً موسیقی، تماماً حرکت، تماماً تخیل، و... است پس یک کلمه در عین حال که یک تصویر است یک دیالوگ است با روح ژرف اندیش مخاطب، یک نماد است که جهانی از اشارات و استعارات و کنایات را در خود نهفته دارد که باید توسط مخاطب کشف شود.

۴) ساختار حسی\_همدسی و ظهور موسیقی ارگانیک واژگان: همانطور که می دانید یکی از مبانی شعر کلاسیک تابعیت شعر از وزن و رعایت اوزان عروضی است به طوری که استفاده از وزن عروضی جزء لایتجزای شعر به شمار می رفت در حالیکه وزن عروضی خود جزیی از موسیقی کلمات است نه تمام ساحت موسیقایی کلمات. این روند با ظهور شعر نیمایی و کوتا و بلند شدن مصرع ها و توجه به عین در برابر ذهن و ..اندکی سهل تر شد و در شعر سپید جایش را به موسیقی معنایی داد. تا اینکه در شعر هوشنگ ایرانی ما با اصوات کوتاه و برخی کلمات و عبارات مثل «هیما هورای / گیل ویگولی / نیبون نیبون ...هوم بوم /وی یو هو هی ی ی ی /هی یا یا...» روبه رو هستیم که شعر را به سمت بی وزنی سوق می داد و یا در واقع کلمات را به سمت موسیقی طبیعی خودشان فرا می خواند و پس از ایشان نیز بانیان شعر محض با شعار «هنر برای هنر» شعر را از قید خیلی از هنجارها رها ساختند و حجم گرایان متأخر نیز برای ایجاد حجم و نشان دادن فاصله بین واقعیت و فرا واقعیت و ایجاد برجستگی یا تشخیص زبانی از حروف اضافه استفاده ی بهینه کردند و این کلمات را که در ساختار دستور زبان با عنوان «حروف اضافه» نقش پذیرفته اند از لحاظ موسیقی، تصویر، تخیل و..وجودی دوباره بخشیدند مخصوصاً در شعر «از تو سخن از به آرامی / از تو سخن از به تو گفت و...» و اما در این سیر واژانه نیز با چیدمان و معماری خاص خود تأکید بر قائمیت حضور واژگان در کلیت متن دارد. این چینش و معماری به گونه ای است که بسته به نوع و جهت حرکت واژه ها موسیقی حسی به خصوصی از موسیقی عروضی گرفته تا سپید، معنایی و ارگانیک کلمات را در خود نمایان می سازد که نتیجه ی چگونگی و نوع برخورد کلمات است که در آن با توجه به احساس منتقل شده در مکان و زمان مناسب، موسیقی ارگانیک کلمات را که مربوط به آن فضای خاص است، آشکار می سازد و ما از آن با عنوان ساختار حسی\_هندسی یاد می کنیم.

۵) استحاله و حرکت: آیا حرکت در واژانه حرکتی تدریجی است که در آن شیء از حالت قوه به فعل منتهی می شود یا حرکتی است که استدراج در آن دخیل نیست و استحاله و تغییر و تبدیل غیر منطقی یک سازه به سازه ی دیگر است؟ مثلاً در شعر عصر باروک که تابع حرکت و استحاله است عناصر بدون هیچ پیش زمینه ی مناسبی به عناصر و سازه های دیگر تحول می یابند و یا اینکه منظور از حرکت، حرکتیست که شاعران شعر حرکت در نوشته هایشان آن را لحاظ می کردند.؟ حرکتی که علاوه بر استحاله ی واحد های سازنده ساختار را نیز تضمین می کند و در آن شاعر باید با تمهیداتی شاعرانه کاراکتری را مستحبل کند و کاراکتری جدید که قبلاً در آن شعر وجود نداشته است بیافریند؟ مانند استحاله کرم ابریشم به پروانه.

از نگاه فلسفی برای حرکت تعاریف متعددی در نظر گرفته شده است از جمله تغییر و تبدیل تدریجی و یا غیر تدریجی، خروج از مساوات و ورود به مغایرت، بالفعل شدن یا کمال شیء بالقوه به صورت تدریجی و یا غیر تدریجی. و از نظر ملاصدرا حرکت جزء جوهر شیء است و از خارج به آن تحمیل نمی شود. یک حرکت ارکانی

چون مبدأ، منتها، فاعل یا محرک ، قابل یا متحرک و مسافت و زمان دارد همانطور که می دانید شیء تا قبل از به حرکت در آمدن قوه حرکت و وصول به مقصد را در خود به صورت بالقوه دارد. ما در واژانه با انواع حرکت روبه رو هستیم که در آنها گاه به طور محسوس و گاه نا محسوس ارکان حرکت را می توان تشخیص داد. از نظر افلاطون برای تحقق حرکت دو امر لازم است «این نه آنی» یا غیریت و «این همانی» یا وحدت اجزاء. متکثر بودن عناصر و سازه ها در واژانه و ناهمانندی آنها نهایتاً توسط حلقه ارتباطی میان کلمات و اپیزود ها ایجاد وحدت و این همانی می کند. در واقع یک واژانه حاصل کثرت واژگان در عین حضور قایم به ذات آنها و چگونگی برخورد و ارتباط ارگانیک این واژگان با همدیگر است که در ذات خود به منظور کشف لایه های تصویری، نمادین ، تخیلی ، عینی و.. با تشکیل یک کل منسجم و هماهنگ به این «این همانی یا وحدت» رسیده اند.

و اما یک نکته در مقاله ی بانو نظریان واژگان به کنش گر و کنش پذیر تقسیم شده اند این در حالی است که حرکت جزء جوهر کلمه است یعنی هر کلمه یا سازه ای حتا حروف اضافه و علامات و نشانه هایی چون (!...؟) در واژانه هم ایجاد کننده ی حرکت هستند و هم پذیرنده ی حرکت و هرگز نمی توان گفت برخی از کلمات کنش گر هستند و برخی کنش پذیر و یا کلمات را به منفعل و پویا تقسیم کرد. چون کلمات تنها بنا به مکان، زمان ، ساختار و فرم حضور می توانند نقش انفعال و کنش پذیری را به صورت موقت بپذیرند. نکته ی دیگر اینکه به رغم نظرات بانو نظریان که اظهار می دارند در واژانه حرکت اتفاق می افتد اما جهش نه! باید عرض شود که در واژانه جهش هدفمند که در خدمت کلیت متن باشد اتفاق می افتد. چون جهش نیز یک نوع حرکت است که فاصله بین عناصر و سازه ها را به طور آنی طی می کند این فاصله ممکن است آنچنان زیاد باشد که از واقعیت ما را به فرای واقعیت فرا بخواند و یا از یک واقعیت عینی به سمت واقعیت عینی دیگر و کشف رابطه بین آنها دعوت کند و یا اینکه از یک فضای فرا واقعی به سمت فضای فرا واقعی دیگر سوق دهد. به گفته حجم گرایان جهش از واقعیت به سمت فرا واقعیت ایجاد حجم می کند بدون آنکه رد پایی از خود به جا بگذارد در واژانه نیز با توجه به جهت و حرکت و جهش سازه ها شعر حجم و یا حرکت نیز می تواند اتفاق بیافتد.

نکته ی دیگر اینکه در شعر حجم و حرکت یک سازه دچار استحاله و جهش می شود اما در واژانه چند تصویر و یا سازه می توانند به موازات هم و در عین ارتباط ارگانیک دچار حرکت و استحاله شوند .

نکته ی آخر اینکه واژانه ابعاد شف نشده ی بسیاری دارد هر کس در هر جای ایران و جهان می تواند با توجه به ارکان اصلی مبتکر و کاشف آن جناب استاد آرش آذرپیک واژانه بسراید و برای آن با توجه به ذوق و سلیقه ی خود ساختار ، فرم و زبان منحصر به فرد تعریف کند بدون آنکه از کسی تقلید کرده باشد. چرا که واژانه عرصه ایست که در آن هر نویسنده با توجه به دایره ی واژگانش و عمق و ژرفنایی که برای واژگان و ابعاد بی نهایت آنها

قائل است می تواند به کشف و شهود پرداخته و تئوری پردازی و خلق اثر کند اما با حفظ مؤلفه های اصلی مکتب اصالت کلمه و ارکان اصلی ژانر واژانه ..

«نیلوفر مسیح»



«مادر»

زن

گهواره ی خالی

پنجره

□

زن

گهواره ی خالی

ماه

□

زن

گهواره ی خالی

آفتاب

□

قاب عکس

کودک

پنجره

"Mother"

woman

Empty cradle

window

□

woman

Empty cradle

moon

□

woman

Empty cradle

sun

□

Picture frames

child

window

«سنگسار»

سنگ                      کودک

آغوش                      مادر

□□

کودک

سنگ؟                      مادر؟

□□

آغوشهای خالی

پیشانی شکسته

"stoning"

Child

stone

Mother

arms

□□

child

Mother?

Ston?

□□

Empty breasts

«جهان سوم»

سرباز      تفنگ

کودک      گل

□□

سرباز

گل؟      گلوله؟

□□

چکمه های سرخ

گل‌های مچاله

"third World"

Soldier

Gun

Flower

child

□□

Soldier

?Flower

? Bullets

□□

Red boots

Crumpled flowers

## «جنگ»

رقص کبوترها      آسمان

رژه ی پرنده ها      زمین

□□

پرنده های سرخ      آسمان

لاشه ی کبوترها      زمین

"War"

sky                      pigeons dance

earth                     birds parade

□□

Sky                        red birds

Earth                      pigeons corpses



«عروج رنگها»

رنگین کمان

کودک:

سبز

قرمز

آبی

زرد

□□□

رنگین کمان

پیرکودک:

سفید

سفید

سفید

"Colours ascension"

Rainbow

Child:

Green

Red

Blue

Yellow

□□□

Rainbow

Old child:

White

White

White

White

آواز قناری

زن / مرد

گل‌های سرخ

□□

آوای گلوله

بوسه ی ناتمام

گل‌های لهیده

"soldiers"

canaries Singing

Woman/ man

Red flowers

□□

Bullets sound

incomplete Kiss

faded Flowers

«متکدی»

صبح

مرد

کاسه ی خالی

ظهر

مرد

کاسه ی خالی

شب

مرد      کودک

کاسه های سرد

صبح

کودک

کاسه ی خالی

ظهر

کودک

سکه های سیاه

شب

مرد      کودک

"Beggar"

Morning

Man

Empty bowl

□

Noon

Man

Empty bowl

□

night

man

child

cold Bowls

□□

Morning

child

Empty bowl

□

Noon

child

Black coins

□

night

child

man

Hot soup

«دستهای خیابان»

مهتاب

آرایش غلیظ

\_بوق!

□

ستاره

گل‌های سرخ

\_گل!!

□

نعش‌های مچاله



گل‌های لهیده  
آسمان خاموش

" street Hands "

Moonlight

Heavy makup

\_bugle!!

□

Star

Red Flower

\_flower!!

□

crumple corpses

crushed Flowers

dark sky

«سکوت»

آواز پرنده ها      جنگل

خروش امواج      دریا

هوهوی باد      بیابان

فریاد کلمات      انسان

"silence"

Forest

Birds singing

sea

Roaring waves

desert

winds sound

Human

words shout

«مترسک»

مزرعه

پرواز گنجشک ها

خوشه های گندم



مزرعه

هجوم ملخ ها

داسهای گرسنه

"Scarecrow"

Farm

Sparrows Fly

Wheats

□

Farm

Locusts invasion

Hungry scythes

برف

شاخه های خشک

سکوت

□

باران

جوانه

تخم پرنده ها

□

آفتاب

حبه های انگور

پرنده ها

□

آفتاب

چرخشت پیر

کبوترهای عاشق

□

برگریزان

جامهای سرخ

رقص کبوترها

"Becoming"

Snow

Dried branches

Silence

□

Rain

Bud

Birds Eggs

□

sun

Grapes

Birds young

□

Sun

Old winepress

Amorous Pigeons

□

Leafs fall

Red Goblets

Pigeons dance



«سماع»

زمين ماه

□

آفتاب زمين

□

انسان آفتاب

□

انسان انسان

"Sonic"

Moon

Earth

□

Earth

Sun

□

Sun

human

□

Human

human

«مرگ صورتک ها»

زن صورتک لبخند

مرد صورتک لبخند

□□

زن چشم های خیس

مرد چشم های گرسنه

" masks death "

Woman smiling mask

Man smiling mask

□□

Woman drenched eyes

Men hungry eyes

«حضور»

دریچه ی باز:

آفتاب

باد

باران

برف

□□□

دریچه ی بسته:

آسمان

آسمان

اسمان

آسمان

"Presence"

Open lid:

sun

Wind

Rain

Snow

□□□

Closed lid:

sky

sky

sky

sky

شکوفه

درخت

گنجشک

□

سیب

درخت

گنجشک

□

برگ

درخت

گنجشک

□

برف

درخت

برف

"adulteration"

blossom

Tree

Sparrow

□

Apple

Tree

Sparrow

□

Leaf

Tree

Sparrow

□

Snow

Tree

Snow



«یک تابلو تفنگ»

دیوار خسته

مرد بسته

فریاد آتش

"A gun board"

Wall            Tired

Man            tied

Shout           Fire

«دیدار»

التهاب بیابان      سراب

هیاهوی دریا      حباب

رویای تو      خواب

"Visit"

Desert fervour

mirage

Sea tumult

Bubble

Your aspire

sleep

«مرگ فریاد»

«تقدیم به کودکان سوری»

قهقهه دریا

دستهای ساحل

کودک کورد

" Death of shout "

"Dedicated to Syrian children"

Sea gaff

Beach hands

Kurdish child

« قلم موی مست »

رنگ

نقاش

تنبور

خنياگر

□□

بوم

صدا؟

رنگ؟

□□

آواز رنگها:

هوحق

هوحق

## " Drunk brush"

Painter                      colour

Minstrel                      Tambour<sup>1</sup>

□□

canvas

Colour?                      Voice?

□□

Color tune:

He is the right

He is the right

«مراقبه»



شب

زن

سکوت

□

شب

زن

ندای آسمان

□

آفتاب

پیامبر خاموش

شهر خروشان

"Meditation"

night

woman

silence

□

night

woman

Skys call

□

sun

Silent prophet

Clamorous city

«باد تنها»

آسمان

رقص بادبادکها

فریاد کودکان

□□

آسمان پیر

پرنده های اهنی

دهانهای خاموش

"lonely Wind"

sky

Kites Dance

Childrens shout

□□

Old sky

Iron Bird

soundless Mouthes

«صلح سرخ»

سرباز زخمی

پرچم سفید

اوای گلوله

"Red Peace"

Ulcerous Soldier

White flag

Bullets sound

«کابوس ساحل»

رودخانه آغوش پری ها

کودک کاسه ی سیاه

□□

کودک

کاسه ی سیاه؟ آغوش پری ها

□□

باد

رختهای کهنه

"beachs Nightmare"

River

Fairys embrace

Child

black bowl

□□

child

Black bowl?

fairys Embrace?

□□

Wind

Old garments

« تمدن »

بیابان

باد

قاصدکهای رقصان

□□

خیابان

عابران

قاصدکهای مچاله



"civilization "

desert

Wind

Dancing dandelions

□□

Street

pedestrians

crumpled Dandelions

«رجعت نور»

محراب                      هو حق / هو حق

شهر                        شمشیر افراشته

□□

محراب

هو حق / هو حق؟                      شمشیر؟

□□

سجاده ی سرخ

شهر سیاه

" light Returning "

adytum                      He is the right / he is the right

City                              flying sword

□□

Sanctuary

He is the right / He is the right?                      Sword?

□□

Red

Dark City

آفتابگردان

باغ

شب

شهر

□□

شهر

شب؟

آفتابگردان؟

□□

باغ آفتاب

"Martyr"

Garden

Sunflower

City

Night

□□

City

Sunflower?

Night?

□□

Suns garden

«فریاد دارها»

آفتاب:

درخت شاد

فریاد گنجشک ها

هوره ی مرد

□□

ماهتاب:

درخت غمگین

گنجشک های لال

هوره ی ناتمام

"hangses shout "

Sun:

Happy Tree

Sparrowses voice

mans howrah<sup>۲</sup>

□□

Moonlight:

Sad tree

Mute sparrows

incomplet Howrah

«یک تابلو فریاد»

درخت سیب

انسان سیب گلو

□□

شهر دیوارها

سیب؟ سیب؟

□□

سیب های سیاه

"A billboard of shout "

Tree

Apple

Human

throat apple

□□

Walls City

Apple?

Apple?

□□

black Apples

high fortifications



«آسمان ممنوع»

دختر عروسک

پسر تفنگ

□□

زن / مرد

چوپی قبيله؟ پرواز بادبادکها؟

□□

چمري باد

دوجسد

" forbidden sky "

Girl doll

Son gun

□□

woman / man

tribes Chopi?

Kites Flight?

□□

Winds Chmry

Two corpses

«ساز بی صدا»

مرد نی

حنجره ی خاموش

□□

زن نی

حنجره ی خاموش

□□

مرد زن

آواز آسمان

"Noiseless instrument"

Man                      reed

Silent larynx

□□

Woman                      reed

Silent larynx

□□

Man                      Woman

Sky sound

«بیداری»

برگ

خواب پيله

باد

رقص پروانه

□□

مرد

خواب نيزار

نواى نى

رقص خاكسترها

Leaf	cocoons dream
Wind	Butterflys dance
□□	
man	reedy dream
reeds sound	ashes flight

نواى زنجره ها

ماه

نالاهى برگ

باغ

فرياد ميله ها

مرد

"Meditation2"

Moon

cricket tune

Garden

leaf groan

□

Man

bars shout

«کره ی عشق»

آفتاب

آفتاب

شاخه های برهنه

باغ

□□

مشیانہ

مشی



بوسه ها

□□□

آفتاب

باران

شکوفه های سیب

درختهای تناور

" Love globe "

sun

sun

Garden

bare branches

□□

Slow

slowly

Kisses

□□□

sun

Rain

corpulent trees

apple blossoms

«هبوط»

دفتر نقاشی:

باران

رنگین کمان

رقص دستها

□□□

صفحه ی مچاله:

باران

باران

چترهای سیاه

"descent"

Painting note book:

Rain

Rainbow

Hands Dance

□□□

Crumpled page:

Rain

Rain

Black umbrellas

## «یک خیابان چتر»

ابر باد

ابر باد

ابر باد

ق

ط

ر

ه

ق

ط

ر

ه

موهای خیس

"A street of umbrella"

Cloud Wind

Cloud

Wind

Cloud

Wind

R

A

I

N

D

R

O

P

R

A

I

N

D

R

O

P

wet Hair

ماه

قوى سياه

قوى سپيد

بركه

□□

ابر

ابر

سياه/سفيد

موج

موج

□□

آفتاب

قوى خسته

قوى خسته

"Shadows war"

moon

White Swan

Black Swan

Lake

□□

Cloud

cloud

Black / White

Wave

wave

□□

sun

Tired swan

Tired swan

«وطن»

کودک

زن

تفنگ

پرچم

□□



گلوله

زن

پستانهای درد

چکه

چکه

□

خاک سرخ

"fatherland"

Woman

Child

Flag

gun

□□

Woman

bullet

## Pain breasts

S

E

E

P

S

E

E

P

□

## Red soil

«مرزها»

دیوار

خانه

بارو

شهر

سیم خاردار

کشور

□□

آدمها

آدمها

آدم

"borders"

House

wall

City

rampart

Country

barbed wire

□□

People

people

Person

People

people

«شاه پر»

پرنده ی خانگی خاک

بط جویبار

□□

بال

دیوار کاهگلی بال

□

پرواز

دریا دریا

"remex"

Homebred bird    soil

Redshank            stream

□□

Wing

Wing            thatch wall

□

Flight

Sea            Sea

« جنس دوم »

مرد تختخواب

گیلاس

گیلاس

فرشته ی کبود

□□

زن گل سنگ

قطره

قطره

اشک تنبور

" Second genus"

Man

Bed

Cherry

Cherry

livid angel

□□

Woman

lichen

Drops

Drops

Tambour tears

«فریادگر»

شب شبیره

شهر فریاد

چراغ مرد کور

□□

مرد کور

شبیره؟ فریاد؟

□□

دارمکرر



"shouter"

Night

moth

City

shout

Light

blind man

□□

Blind man

Moth?

shout?

□□

Repeating gallows

«علمدار»

بیرقهای سرخ

باد

آب مشك

□□

شيهه ی باد ابرها

ق

ط

ر

ه

ق

ط

ر

ه

لاله های سرنگون

"ALAMDAR"(Flag holder)

Wind

Red flags

Water

leather bottle

□□

Wind echo

clouds

D

R

O

P

D

R

O

P

Unseated tulips

«رهایی»

اتاق

زن

پنجره

چشم

□□

روسری مچاله

دیوارها؟

پرده؟

□□□

آ

ج

ر

آ

ج

ر

'Liberation'

Lady

Room

Eye

Window

□□

## Crumpled scarf

Curtain ?

The walls?

□□□

B

R

I

C

K

B

R

I

C

k

«مرگ صورتک»

لبخند

شنبه

لبخند

یک شنبه

لبخند

دوشنبه

سه شنبه

لبخند

چهارشنبه

لبخند

پنج شنبه

لبخند

جمعه

اشک سیاه

"Death of mask"

Saturday smile

Sunday smile

Monday smile

Tuesday smile

Wednesday smile

Thursday

smile

Friday

Black tears

«تابوتهای زنده»

چادر

زن

بوق های هرزه

شهر

□□

باد

چادر

تختخوابهای سیاه

بوقها

"Live coffins"

Woman

chador

City

bawdy horn

Chador

wind

horns

Black beds



«ابلیسک»

مزرعه دانه

زن نطفه

□□

گندم های سیاه داس زخمی

حوا قابیل

"Obelisk"

Farm

Grain

woman

sperm

□□

Black wheat

injured sickle

Eve

Cain

« روح نواز »

ماه

كلبه

موسیقی افلاک

زن

□□□

آفتاب

جمعیت

زخم سه تار

خنیاگر خاموش

"Soul-catching"

moon

Cottage

Woman

music of the spheres

□□□

sun

population

whist Minstrel

wounded Setar

بخش دوم

مجموعه واژانه های واژانه نویسان جوان



اقدس نگاهداری

بهبهان

«پيله ها»

زن چراغ قرمز

پروانه آسمان

□□

جیغ کبود!!

□□

ویلچر

اتاق شیشه ای

"Cocoons"

Woman

red light

Butterfly

Sky

□□

!!blue Scream

□□

Wheelchair

Glass room

«شکاربان»

آسمان پرنده

دریا ماهی

□□

صیاد

تور! تیر!

□□

یک مشت گنجشک

بچه ماهی



"Gamekeeper"

Sky                      Bird

Sea                      fish

□□

Hunter

!Net                      ! shot

□□

A bunch of sparrows

Little fish

«تکامل»

آب آب

دانه

آب آب

□□

خورشید

آب جوانه هوا

خاک

□□

خورشید خورشید

نیلوفر

خورشید خورشید

«Evolution»

Water                      water

Seed

Water                      water

□□

Sun

Air    sprouts    water

soil

□□

Sun                      sun

lutos

Sun                      sun

## «کوهسایه»

باغبان گل

زخم خاها

□□

پدر کودک

پینه

پینه

□□

سنگ سیاه

چویل<sup>۳</sup>

---

<sup>۳</sup> چویل گیاهی سبز رنگ، کمی متمایل به تیره، نماد سرسبزی و خوشبویی که در فصل بهار و اوایل اردیبهشت از روی صخره ها و زمین رویش خود را آغاز می کند، هم اکنون در ارتفاعات کوه سفید دهدز، کوه گره چهارمحال بختیاری، بلندترین نقطه ی استان خوزستان کوه برفگیر منگشت می روید..

"Kvhsayh"

Flower

Gardener

Burs wound

□□

Father

children

Callus

Callus

□□

Black stone

Chevilan

خورشید      فرشته

آسمان      پلک بی قرار

□□

خدایان

بال      بال

□□

پره‌ای سوخته

زمین

"Jinus"

Angel      Sun

Restless eyelid      sky

□□

gods

Pitter

-patter

□□

Burnt feathers

Earth

«آخرين بازمانده»

جوانه

پرستوها

لانه

□

میوه

بالهای خسته

جوجه ها

□

برگهای سیاه

پرهای سوخته

اردوگاه

"Last Survivor"

Bud

Swallows

Nest

□

fruit



Tired wings

Chicks

□

Black leaves

Burnt feathers

Camp

«باد سرخ»

برف کودک

پرواز گنجشک

□□

گلوله کودک

مچاله گنجشک

"Erysipelas"

Snow                  Child

Sparrow              flight

□□

Child                  shot

Sparrow              crushed

«ماتریالیسم»

فریاد گنجشک ها

کارخانه

آسمان دودی

شهر

□□

پرنده ها

گلهای مصنوعی؟

آسمان خراش ها؟

□□

پرندگان فلزی

« اقدس نگاهداری »

"Materialism"

Factory

Sparrows Scream

City

smoky sky

□□

Birds

skyscrapers?

Artificial flowers?

□□

metal Birds

«پسران حوا»

زن

گل یخ

مرد

بوسه ی سرد

□□

قطره / قطره

عطر تنهایی

لبخند خیابان

شراره های هوس

"Sons of Eve"

Woman

japan allspice

Man

cold kiss

□□

Drop / drop

aroma of loneliness

Smile of street

Flares of desire

« یک تابلو لبخند »

گهواره ی خالی

زن

اجاق نیاکان

مرد

□□

مرد

آغوش سرد؟

اجاق نیاکان؟

□□

\_ اجاقکور؟

\_ نه!

کودک گل فروش

شعله ی دستها

"A billboard of smile"

Woman

empty cradle

Man

ancestors oven

□□

Man

? ancestors oven

? Cold arms

□□

?Ojaghe kor

!No\_

Flame of hands

flower selling child

«اختیار»

باغ رضوان

آدم/حوا

ردای آسمان

□

آدم/حوا



درخت عشق؟

آسمان؟

□□

تنپوش اندیشه

"liberty"

Adam / Eve

heaven

Cloak of Sky

□

Adam / Eve

? sky

? Tree of Love

□□

Garb of thought

آسمان

جنگل

□□

پرنده تفنگ

درخت تبر

□□

پرهای سرخ

شعله ها

«فرنگیس اسدی»

"Extinction"

sky

Jungle

□□

Bird

Gun

Tree

ax

□□

Red feathers

Flames

«رقص قابيل»

شهر

موشک

کودک

□

مخروبه

آوار

کبوتر

□

آهن پاره

آهن پاره

آسمان

«ثنا صمصامی»

«Cains Dancing»

City

Missile

child

□

dilapidated

Debris

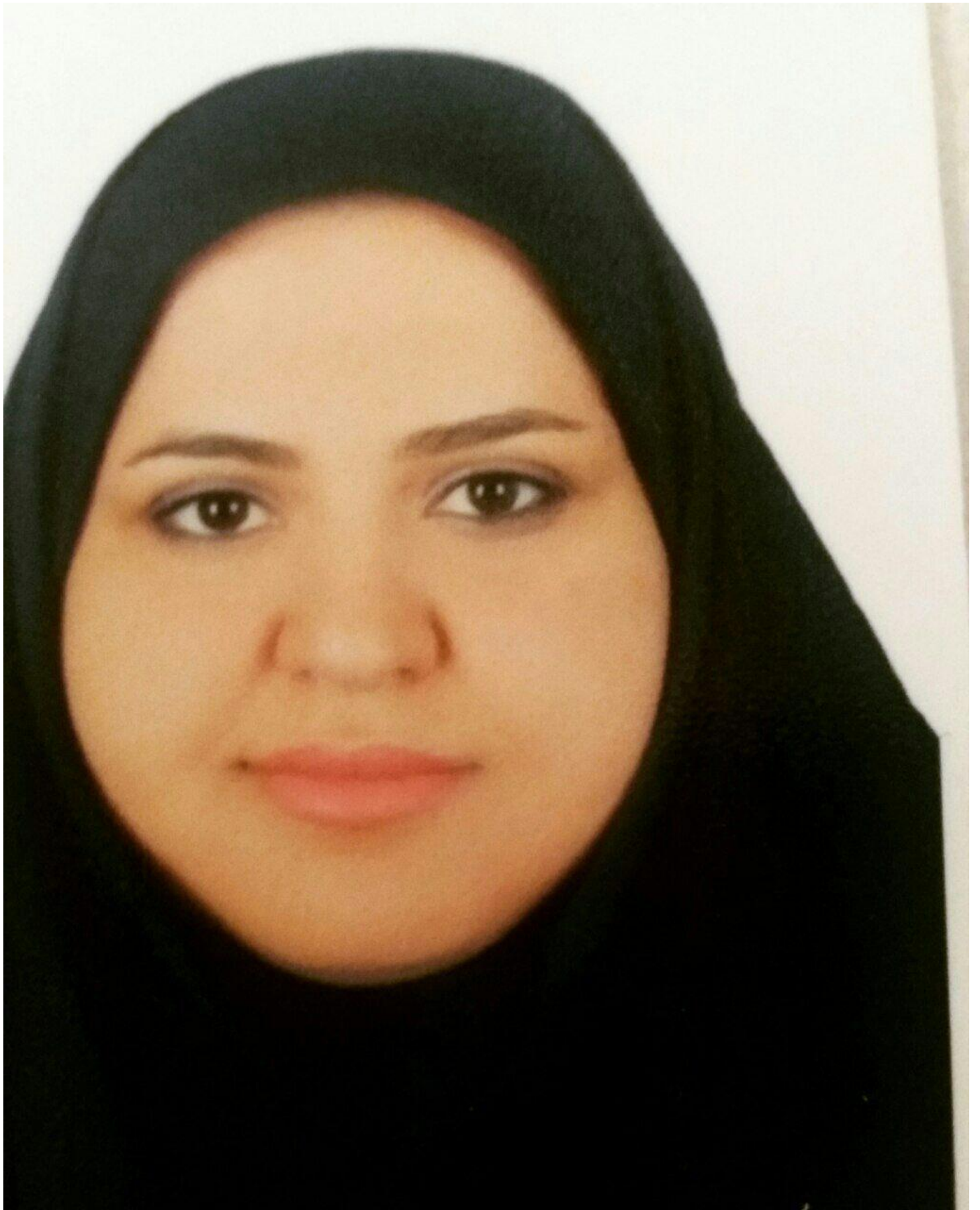
bird

□

Scraped metal

Scraped metal

sky



«شیمیایی»

باران

پبله

شکوفه

□

رنگین کمان

پروانه

میوه ی کال

□

باد سرخ

بالهای مچاله



"Chemical"

Rain

Cocoon

bloom

□

Rainbow

butterfly

Unripe fruit

□

erysipelase

Crumpled wings

Black olives





«خون بس»

شلیک فریاد

آب آتشدان

□□

قبیله چمری

ریش سفید دختر

□□

عقد سیاه

تلخند

«رویا کارپسند»

" peace ""

Shot

shout

Water

hearth

□□

Tribe

Chamary

patriarch

girl

□□

Black espousal

bitter smile



«قرن ۲۱»

چشم دریا

قلب خورشید

پا جنگل

□□

دریا امواج سرخ

خورشید گل یخ

جنگل نیزه ها

□□

آهن

آهن

آهن

«پروین شاهمرادی»

"۲۱st Century"

Eye sea

Heart Sun

Foot forest

□□

Sea redWaves

Sun japan allspice

Forest spears

□□

Iron

Iron

Iron

«انتخاب»

دریا

خدا

ماهی

انسان



تور

ابلیس

□□

ماهی

تور؟

دریا؟

□□

رقص آتش

«پروین شاهمرادی»

"Selection"

God                      sea

Human                  fish

Satan                    net

□□

Fish

?Sea

? Net

□□

Dance of fire





«قلمدار»

مرد کتاب

شاخه ی نور

□

قلم:

ترازوهای کور

آسمان ممنوع

شهر هرزه

□□

قلم توفان

مرد قفس

کتاب شاخه ی شکسته

«لیلا مری»

"writer"

Man                      book

Branch of light

□

Pen:

Blind scales

Forbidden Heaven

Lewd City

□□

Pen                      storms

Man                      cage

book                      The broken branch



عبدالجليل كريمپور

«تناسخ»

مرد زن

درخت شکوفه

□

شبگرد سنگ

برگریزان

□□

سنگ سنگ

جوانه ها



## "Transmogrification"

man

Woman

tree

bloom

□

shabrang

Stone

falling leafs

□□

Stone

stone

Sprouts

سربازها

برف

آدم برفی

کودک

□□

کودک

سرباز

آدم برفی سرخ

"Influx"

Snow

Soldiers

Child

snowman

□□

Child

Soldiers

Red snowman

«عروج»

باغ

شكوفه

نسيم

□

دشت

نيزار

باران

□

انسان

نردبان آسمان

سجاده

«عبدالجليل كريمپور»

"Ascension"

Garden

Bloom

□

Plain

Rain

everglade

□

Man

breeze

Prayer

sky ladder

«peace of storm »

«آرامش طوفان»

open window :

پنجره ی باز:

seas uproar

همهمه ی دریا

woman

زن

□□

□□

close window :

پنجره ی بسته:

fishes silence

سکوت ماهی ها

men

woman

مرد

زن

kiss

بوسه

kiss

بوسه

«آذر گرامی»